

# بررسی نظریه سیستم ارزیابی گوردن آلپورت از منظر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام و تبیین شاخص ارزشگذاری به انسان از منظر ایشان

علی طحانی<sup>۱</sup>

## چکیده

ارزشها جزء جدایی ناپذیر شخصیت و زندگی اجتماعی هستند و بدون وجود آنها زندگی انسان بدون ساختار است. ارزشها عباراتی هستند که نشان میدهند فرد تمایل دارد چه اوضاع و احوالی را در زندگیش تجربه کند. به خاطر مهم بودن این سیستم یا نظام ارزیابی در تمامی ابعاد وجودی و ساختاری انسان، مکاتب، نظامهای سیاسی و رژیمهای موجود در سراسر جهان در صدد تبیین و عملیاتی کردن نظامهای ارزشی خودشان هستند تا بتوانند انسانها را استثمار کنند و یا انسان را به کمال مطلوب برسانند. امروز کشورهایی که دم از دموکراسی و حقوق بشر میزنند، انسانها را با ملاک رنگ پوست، ثروت، فناوری، نژاد و غیره طبقه بندی میکنند؛ سیاه پوست، سفید پوست، جهان سوم، در حال توسعه، توسعه یافته. اما از نظر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام رنگ پوست و ثروت و نژاد و مقام، ملاک ارزشگذاری نبوده، بلکه انسان در نظر ایشان محترم و عزیز است. حتی غلامان و سیاهان هم مورد عنایت ایشان بودند و با آنان به عنوان انسان رفتار میکردند. میتوان سیستم ارزشی که امام علی بن موسی الرضا علیه السلام مهر تأیید بر آن میزنند را چنین برشمرد: ارزشهای نظری و حیوانی، ارزش خدمتگزاری به مردم یا سیاست توحیدی، ارزش کار و تلاش، ارزشهای اجتماعی یا مردمداری که بیمنت و بی توقع است، ارزشهای دینی اعتقادی و مناسکی مبتنی بر اسلام انسان ساز و ارزش محبت به اهل بیت علیهم السلام.

**کلیدواژه ها:** امام رضا علیه السلام، روانشناسی شخصیت، سیستم ارزشی آلپورت

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

## ۱- بیان مسئله

ارزشها جزء جدایی‌ناپذیر شخصیت و زندگی اجتماعی هستند و بدون وجود آنها زندگی انسان بدون ساختار است. در واقع وجود ارزشهاست که به زندگی انسانها جهت میدهد و بدون آن هیچ‌انگیزه‌های برای رسیدن به هدف وجود ندارد. واژه ارزش در اصطلاح عقیده یا باور نسبتاً پایداری است که فرد با تکیه بر آن یک شیوه رفتار خاص یا یک حالت غایی را شخص یا اجتماعی است، به یک شیوه رفتار خاص یا یک حالت غایی که نقطه مقابل حالت برگزیده قرار دارد، ترجیح میدهد. تعاریف متعددی از ارزش شده است. بروس کوئن مینویسد: ارزشها باورهای ریشه‌داریند که گروه اجتماعی به هنگام پرسش دربارهٔ خوبیها و بدیها و کمال مطلوب به آنها رجوع میکنند. (کوئن، ۱۳۹۰، ص ۸۵) هیز و همکاران (۱۹۹۹) ارزشها را این‌چنین تعریف کرده‌اند: پسایندهای مطلوب و فراگیر زندگی که به صورت کلامی شکل گرفته است. به عبارتی دیگر، ارزشها عباراتی هستند که نشان میدهند فرد تمایل دارد چه اوضاع و احوالی را در زندگی اش تجربه کند.

(Hayes&Stroshal&Wilson, ۱۹۹۹, p: ۲۰۶)

واژه ارزش یکی از واژگانی است که دارای غنی‌ترین، پیچیده‌ترین و مشکل‌ترین معناه‌هاست. ارزش از آن کلماتی است که از نظر معنایی بسیار غنی است و از این رو بسیار پیچیده است و به سختی میتوان تعریفی از آن ارائه کرد. ارزشها به امر یا حالت یا چیزی گفته میشود که از نظر اعضای جامعه با اهمیت و مهم باشد. نظام ارزشها به مجموعه ارزشهای مرتبط به هم میباشد که رفتارها و کارهای فرد را نظم میبخشد. آلپورت معتقد بود ارزشهای شخصی ما مبنای فلسفهٔ زندگی و وحدت بخشی ماست که یکی از شش ملاک شخصیت پخته و سالم است. ارزشهای ما صفات شخصیت هستند و تمایلات و انگیزه‌های نیرومند ما را نشان میدهند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۹، ص ۲۹۶).

بیشتر شناخت ما از امام رضا علیه السلام، محدود به موارد زیر است: سفر ایشان از مدینه تا بلخ، ولیعهد مأمون بودن، مناظره با عالمان مذاهب دیگر، غریب‌الغربا بودن، رأفت و...؛ اما خیلی کمتر در مورد شاخص ارزشگذاری یا به عبارت دقیقتر سیستم ارزشی انسان مطالبی را از سیره ایشان، خواننده و یا شنیده‌ایم. در این مجال سعی داریم اولاً سیستم ارزشی گوردن آلپورت را معرفی و ثانیاً آن را با سیستم ارزشی امام رضا علیه السلام مقایسه کنیم و در نهایت به شاخص ارزش گذاری انسان از دید امام علی بن موسی

الرضاعلیه السلام بپردازیم. باشد که ان شاء الله محققان و اندیشمندان در حوزه روانشناسی دین در این مقوله بسیار مهم که در حال حاضر درمانهای مدرن روانشناسی مانند درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (اکت) در پی آن هستند، ورود کنند و سیستم ارزشی اسلام انسان‌ساز را تبیین کنند.

در تحقیق حاضر ابتدا سازه‌های سیستم ارزش گذاری آلپورت شناسایی شد و سپس به روایات امام رضا علیه السلام مراجعه گردید و سپس تطبیقی بین مفاهیم صورت پذیرفت و افزون بر آن، سعی شد سیستم ارزشی جدیدی طبق کلمات گهربار امام رضا علیه السلام تبیین شود. در استفاده از قرآن و تفاسیر و روایات سعی بر این بوده است که چیزی بر آن‌ها تحمیل نگردد و از ظاهر آیات و روایات که دلالت روشنی دارند، استفاده گردد؛ گوردون آلپورت<sup>۱</sup> در ایالت ایندیانا ای آمریکا متولد شد و تقریباً تمام دوران زندگی حرفه‌ایاش را در دانشگاه هاروارد سپری کرد. او دانش‌نامه دکتری خود را بر اساس نظریه‌ای تحت عنوان «یک مطالعه تجربی از صفات شخصیت» از همین دانشگاه دریافت کرد (شولتز و شولتز، ۱۳۸۹، ص ۲۸۱).

به نظر می‌رسد، آلپورت، بیش از آنکه به دلیل ارائه نظریه خاص در شخصیت معروف شده باشد، به دلیل موضوعات و اصولی که مطرح کرده، مورد توجه باشد. او در طول زندگی حرفه‌ای و پر بار خود، به جنبه‌های انسانی، سالم و سازمان یافته رفتار انسان توجه کرد. این طرز فکر در مقابل دیدگاهی است که انسان را موجودی زیستی، روان رنجور، تنش کاه و دارای رفتاری ماشینی تلقی می‌کند (لارنس، ۱۳۷۴، ج: ۲، ص: ۷).

آلپورت چهره مهمی در بسط مفهوم سلامت روان به حساب می‌آید. وی روانشناس معروفی است که به طور گسترده در مورد تعداد زیادی از حوزه‌های شخصیت از قبیل خویشتن، انگیزش، ارزشها و شخصیت سالم پژوهش کرده است. آلپورت به دلیل مطالعات گسترده‌اش در مورد شخصیت، لقب «پدر روان‌شناسی شخصیت» را به خود اختصاص داده است. شاید بتوان گفت: آلپورت اولین روان‌شناسی است که اظهار داشت: روان‌شناس نباید صرفاً به مطالعه علائم گوناگون و انواع مرض بپردازد، بلکه باید شخصیت سالم را مورد توجه قرار دهد. این در حالی بود که فروید و عده دیگری از روان‌شناسان فقدان علائم و فقدان تعارض را سلامت روان و وجود آنها را نشانه بیماری روانی به

۱. Gordon W. Allport (۱۸۹۷-۱۹۶۷)

حساب می‌آوردند. فروید همواره در درمان‌ها و روش درمانی خود، به دنبال کشف علائم و ریشه‌یابی و تحلیل آنها بود. فروید بر اساس مشاهده مشکلات روانی متنوع که در مراجعان خود می‌دید و صحبت کردن‌های زیاد با آنان در مورد گذشته و دوران کودکی‌شان، نظریه خود را در باب شخصیت بنیاد نهاد و آن را گسترش داد. به عقیده فروید، مرض و سلامت، و انسان سالم و انسان ناسالم فقط در کمیت - یعنی مقدار علائم بیماری روانی - با هم تفاوت دارند، اما از لحاظ کیفی هیچ‌گونه تفاوتی بین آنها وجود ندارد.

## ۲- نظام ارزشی آلپورت و بررسی آن در سیره و سخنان امام علی بن موسی الرضا علیه السلام

آلپورت شش نظام ارزشی اساسی را تعیین می‌کند. به عقیده وی تمام انسان‌های دنیا از این شش نظام استفاده میکنند و هیچ انسانی از این شش نظام خارج نیست و غیر از این نظام‌های ارزشی کلی و اساسی، نظام ارزش دیگری وجود ندارد. این نظام‌ها عبارت‌اند از ۱-۲. ارزشهای نظری<sup>۱</sup>

در این نظام، به اعتقاد آلپورت فرد به علم و دانش، آن هم به جنبه نظری و انتزاعی آن و نه معنای عملی و عینی آن، بها می‌دهد. هدف عمده او تحقیق دانش و افزایش یافته‌های علمی است، به گونه‌ای که اصلاً با جنبه‌های کاربردی و عملی آنها کاری ندارد. وی تشنه علم و دانش است و صرفاً می‌خواهد که بخواند و بخواند (میردریگوندی، ۱۳۸۲، ص: ۷۹) معجزه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرآن و کتابی است که سراسر پر از حکمت و معارف است. این خود نشان از اهمیت علم در اسلام دارد. دیگر ادیان توحیدی هم به علم اشاره دارند ولی در اسلام انسان‌ساز شروع، میانه و خاتمه راه و به طور کلی همه و همه چیز با علم و معرفت یا به عبارتی دیگر با دانش نظری مورد سنجش قرار می‌گیرد. قرآن سخن خود را با خواندن و علم آغاز کرده است و پیوسته مسلمانان را به تدبر و تفکر در هر چه آفریده شده است، فراخوانده است. اهمیت و عظمت علم در حدی است که خداوند متعال به پیامبرش در سوره مبارکه زمر آیه نهم دستور میدهد: «أَمَّنْ هُوَ قَانِثٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَ قَائِمًا يُحَدِّثُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِمَّا يَتَذَكَّرُ أُولَئِذَا الْأَبَابُ» (آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات

۱. Theoretical value

شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان‌اند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند!»

یا در آیه دیگر در باب اهمیت فهم قرآن، آمده است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟» و آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا بر دل‌های (آنان) قفل‌های (مخصوص) آن نهاده شده است (محمد/۲۴)»

در منابع اسلامی، امام هشتم، علینموسیاالرضا علیه السلام، به جهت برگزاری جلسات و مباحث علمی بسیار و توان علمی امام در آن عصر، عالم آل محمد صلی الله علیه و آله نامیده‌اند و این وجود مقدس از لحاظ علمی در مرتبه بالایی قرار داشتند. از منظر امام رضا علیه السلام، علم، جایگاه بالایی دارد و آن را باید آموخت. از دیدگاه امام علیه السلام: عقل شخص مسلمان تمام نیست مگر این که ده خصلت را دارا باشد و یکی از ده خصلت این است که مومن در عمر خود از علم طلبی خسته نشود؛ «لا يَتِمُّ عَقْلُ امْرِءٍ مُسْلِمٍ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ... وَ لَا يَمَلُّ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ دَهْرِهِ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ ص ۴۴۳). از امام رضا علیه السلام روایتی است که خیلی صریح به ارزشهای نظری اشاره دارد:

«رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا؛ خداوند رحمت کند کسی که امر ما را زنده کند. راوی سؤال کرد: چگونه امر شما زنده میشود؟ امام علیه السلام در پاسخ به راوی فرمودند: کسی که علوم ما را فرا گیرد و آن را به مردم بیاموزد چون اگر مردم از سخنان زیبای ما آگاه شوند قطعاً از ما پیروی میکنند» (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص: ۳۰۷) در این روایت به طور خلاصه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به تعلیم و تعلم تأکید می‌فرمایند. در این روایت کلمه‌های که به نظر نگارنده این سطور مهم است، (علومنا) است؛ یعنی علوم ما و منظور از (نا) در این روایت گهربار، تمامی امامان معصوم علیهم السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله است. و وقتی می‌فرمایند: (علوم)، کلمه علم را جمع بست‌هاند و از کلمه علوم استفاده کرده‌اند و این شامل تمامی علوم میشود؛ از علم خداشناسی شروع تا انسانشناسی و جهان بینی و جهان شناسی و پزشکی، نجوم، ریاضیات و تمامی علوم ائمه علیهم السلام و این علوم به وضوح در سیره ائمه اطهار علیهم السلام دیده

میشود. چه زیبا امام باقر علیه السلام فرمودند: «شَرْقًا وَ غَرْبًا فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا؛ اگر به شرق و غرب عالم هم بروید، هرگز به علم صحیح و درستی دست نمی‌یابید، مگر آن علمی که از نزد ما آل محمد بیرون می‌آید». (کشی، ۱۴۰۹ق، ص: ۲۰۹)

در این مجال سعی نگارنده این است که بیان شود چه ارزش نظری میتواند انسان را در مسیر صحیح خودش قرار دهد؟ پر واضح است علمی که صرفاً از طریق حس و تجربه و عقل به دست آمده باشد و به منبع نورانی وحی متصل نباشد، نمیتواند جزء ارزش نظری انسان قرار گیرد، چرا که اگر ارزش نظری تنها ملاک باشد، منجر به تولید بمب اتمی میشود که هزاران انسان بی‌گناه و زن و کودک را به خاک و خون میکشد و آب هم از آب تکان نمیخورد؛ پس از دید امام علیبنموسیالرضا علیه السلام باید گفت، ارزش نظری و حیانی میتواند جزء ارزشهای انسان قرار گیرد.

یکی از درمانهای مدرن و پرترفدار روانشناسی، درمان مبتنی بر پذیرش و پای بندی است که کتابی هم به همین نام در سال ۲۰۱۱ نوشته شده است. فلکسمن و همکاران (۱۹۷۰) اشاره میکنند که صراحتاً تصدیق میکنیم برخی از نظریه‌های درمانی دیر یا زود به نفع نظریه‌هایی که مؤثرتر است کنار گذاشته خواهد شد. تمام نظریه‌هایی که انسان پایه‌گذاری کرده نادرست از آب درآمد، از سوی دیگر در خصوص نظریه‌هایی که در حال حاضر به آن استناد میکنیم، هنوز نمیدانیم که چگونه نادرست هستند. (فلکسمن و همکاران، ۱۳۹۴، ص: ۳۱ و ۳۲) بنابراین اگر نظریه‌های دیر یا زود کنار رود آیا ارزش این را دارد که فرد سیستم ارزشی خودش را روی آن متمرکز کند؟ پس باید گفت انسان باید دنبال ارزشهایی برود که از یک‌سو با گذر زمان تاریخ مصرفشان نگذرد و از سوی دیگر برای هر عصر و زمانی نو و تازه باشد.

## ۲-۲. ارزشهای سیاسی<sup>۲</sup>:

در این نظام ارزشی، فرد به قدرت و سیاست ارزش و اهمیت می‌دهد. وی عقیده دارد که کسب قدرت و مهار دولت و ملت از مهمترین اهداف او در زندگی می‌باشند و هدف

۱ . Acceptance and Commitment Therapy (ACT)

۲ . Political Values

واقعی چنین فردی در زندگی، یادگیری شیوهها و فنون جدید سیاست و بالطبع، به دنبال راههای اعمال تئوریهای عالمان علم سیاست است که به تسلط پیدا کردن بر مقدرات سیاسی دیگران منجر می‌گردد. (میردریکوندی، ۱۳۸۲، ص: ۷۹) حال سؤالی که باقی میماند این است که آیا این ارزش اصلاً باید جزء سیستم ارزشی فرد قرار گیرد یا خیر؟ آیا امام رضا علیه السلام این سیستم ارزشی را میپذیرند؟

از خادم حضرت رضا علیه السلام نقل شده است: «قَالَ يَاسِرُ الْخَادِمِ فَبَيْنَا نَحْنُ عِنْدَهُ يَوْمًا إِذْ سَمِعْنَا وَفَعَ الْقُفْلَ الَّذِي كَانَ عَلَى بَابِ الْمَأْمُونِ إِلَى دَارِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَنَا الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ...»

یاسر خادم گوید روزی ما در نزد آن حضرت بودیم که ناگاه شنیدیم الان مأمون وارد می‌شود. مأمون وارد شد و نوشته بلندی در دست او بود. شروع کرد به خواندن آن کتاب که در دست او بود و آن فتح نامه بود که بعضی از قریه های کابل را فتح کرده بودند و در آن نوشته بود که فتح کردیم قریه چنین و چنان را پس چون از خواندن آن فارغ شد حضرت رضا علیه السلام فرمودند: آیا خوشنود می کند تو را فتح قریه از قریه های اهل شرک. مأمون عرض کرد آیا در این فتح سرور نیست؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود از خدا بترس در امت محمد (ص) و در این امر خلافت که حق تعالی تو را ولی گردانیده است و این امر را بخصوص تو ساخته است و تو امور مسلمانان را ضایع کردی و این امر را تفویض بغیر خود نمودی و در میان مردم بخلاف حکم خدا حکم می‌شود و در این شهرها نشستی و خانه هجرت و محل نزول وحی الهی را واگذاشتی و مهاجرین و انصار در نزد تو بر آنها ستم می‌شود یعنی در زمان تو بر آنها ظلم می شود و حکام تو در حق مؤمن نه ملاحظه خدا می کنند و نه ملاحظه بنده و بر مردم روزگاری می گذرد که خود در مشقت و تعب افتاده اند و از نفقه خود عاجزند و کسی را نمی یابند که حال خود را بر او شکایت کنند و دست آنها به تو نمی رسد. از خدا بترس در امور مسلمانان و برگرد به خانه نبوت و معدن مهاجرین و انصار آیا نمیدانی که والی مسلمانان مثل عمود است در وسط خیمه هر کس آهنگ آن خیمه کند عمود را می گیرد.

مأمون عرض کرد ای سید من پس رأی تو چیست حضرت فرمود: رأی من اینست که از این بلاد بیرون روی و این منزل را تغییر دهی و در مکان پدران و اجداد خود اقامت کنی و در امور مسلمانان نظر کنی و ایشان را به غیر خود وانگذاری زیرا که حقتعالی

سؤال کند تو را از آنچه بر آن ولی بودی پس مأمون برخاست و عرض کرد بلی ای سید من رأی پسندیده است. (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۱۶۰۱) از این سخن امام رضا علیه السلام کاملاً مشخص است که امام علیه السلام ارزش سیاسی را به عنوان یک سیستم ارزشی طبق تعریف آلپورت نمیپذیرند. امام رضا علیه السلام در مورد ریاست‌طلبی میفرمایند:

«مَا ذُبَّانِ صَارِيَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ تَفَرَّقَ رِعَاؤُهَا بِأَضْرَ فِي دِينِ الْمُسْلِمِ مِنَ الرَّئِاسَةِ؛ دو گرگ درنده در گله بی چوپان، به اندازه ریاست‌طلبی در دین یک مسلمان زیان‌بار است.» (میرداماد، ۱۳۱۱ق، ص: ۶۶)

اگر ارزشهای سیاسی را طبق تعریف آلپورت بپذیریم، آن وقت مدیریت و مسئولیتهای سیاسی-اجتماعی طعمه و لقمه چرب و نرمی است، که عده‌های به خاطر شانس و پارتی به آن رسیدهند و عده‌های هم باید در زباله‌دانها به جستجوی غذا برای نان شب باشند. اما از منظر اسلام انسان‌ساز مسئولیتهای سیاسی و اجتماعی امانت‌سنگینی بر دوش صاحبان آنهاست. امام علی علیه السلام به فرماندار آذربایجان نوشتند: «وَإِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطَعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ؛ عمل و حکمرانی طعمه و شکار تو نیست، بلکه امانت و سپرده‌های در گردن توست.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۳۳، ص: ۵۱۲).

لذا به نظر میرسد باید این ارزش را به ارزش خدمتگزاری به مردم و یا ارزش سیاسی توحیدی تغییر داد. بر همین اساس است که امام خمینی (ره) فرمود: «به من اگر خدمتگزار بگویند، بهتر از این است که رهبر.» (خمینی، ۱۳۸۹، ج: ۱۲، ص: ۱۹۲) و نیز فرمود: «حکومت اسلامی، حکومت خدمت است. پیغمبر اکرم (ص) با اینکه مقامش آن بود، ولی خدمتگزار بود، خدمت می کرد.» (بی‌آزارشیرازی، ۱۳۹۴، ج: ۴، ص: ۲۵۷)

یکی از ارزشهایی که فرد می تواند در سیستم ارزشی خودش وارد کند، ارزش خدمتگزاری به مردم است. چه زیبا امام حسین علیه السلام، افراد خدمتگزار را تشویق کرده و توفیق رفع نیازهای مردم را از جمله نعمتهای الهی شمرده و می فرمایند: «ان حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تَمْلُوا النِّعَمَ، همانا نیازمندی‌های مردم به شما از نعمت‌های خدا بر شماست، بنابراین، از این نعمتها خسته نشوید.» (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص: ۸۱).

کسی که یکی از نظامهای سیستم ارزشی اش سیاست توحیدی یا خدمتگزاری به



مردم است، اصلاً پست و مقامی برای خودش تصور نمیکنند و با همه بندگان خدا بر اساس کرامت انسانی برخورد خواهد کرد. مردم را به دلیل بالا یا پایین بودن جایگاه اجتماعی‌شان، از امتیاز خاصی بهرهمند نمیکنند یا بی نصیب نمی‌سازد. سیره امام رضا علیه السلام بعد از آنکه ولایتعهدی صوری مأمون را پذیرفتند، میتواند الگوی رفتاری صحیح و درستی برای مسئولان جامعه ما باشد که در همین زمینه به چند روایت و سیره زندگی این وجود مقدس اشارهای گذرا خواهیم کرد. شیخ صدوق در این زمینه نقل کرده است: هیچگاه امام رضا علیه السلام به غلامان و بردگان خود بد نگفتند؛ بلکه هنگامی که سفره انداخته میشد، همه غلامان و خادمان، حتی دربان و میرآخور را به سفره غذا می‌نشانیدند. إِذَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ لَا يَدْعُ صَغِيرًا وَلَا كَبِيرًا حَتَّى السَّائِسِ وَالْحَجَّامِ إِلَّا أَفْعَدَهُ مَعَهُ عَلَى مَائِدَتِهِ (صدوق، ۱۳۷۸، ج: ۲، ص ۱۵۹) از عبدالله بن صلت نقل شده است که من در سفر امام رضا علیه السلام به خراسان، در خدمت ایشان بودم. دستور فرمودند که سفره غذا را پهن کنند. در کنار سفره ایشان، تمام غلامان آن حضرت از سیاهان و غیر آنها گرد آمدند. من به آن جناب عرض کردم: فدایت شوم. کاش برای اینها سفره جداگانهای انداخته میشد. امام علیه السلام فرمودند: إِنَّ الرَّبَّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَاحِدٌ وَالْأُمَّ وَاحِدَةٌ وَالْأَبُّ وَاحِدٌ وَالْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ، پروردگار ما، یکی است و پدر و مادر ما هم یکی، و پاداش همه بر اساس کردار است (قمی، ۱۴۱۴ق، ج: ۸، ص ۵۲۱).

در کتاب کشف الغمه در توصیف آن حضرت آمده است: «نشنیدم هیچ کس را که از امام رضا علیه السلام افضل باشد و دیده‌ام از او چیزها را که از هیچ کس ندیده‌ام، و هرگز اتفاق نیفتاد که امام رضا علیه السلام در سخن گفتن به کسی جفا کنند. هر که با ایشان گفت‌وگو میکرد، کلامش را قطع نمی‌کردند و فرصت می‌دادند تا آخرین سخن خود را بگویند. اگر کسی برای حاجتی نزد ایشان می‌آمد، در صورت امکان ابداً او را مأیوس نمی‌کردند. ندیدم در حضور کسی پایشان را دراز کنند و تکیه بزنند. سراغ ندارم که به غلامان و کنیزانشان ناسزا بگویند؛

لَا سَمِعْتُ بِأَحَدٍ أَفْضَلَ مِنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَ وَ شَهِدْتُ مِنْهُ مَا لَمْ أَشْهَدْ مِنْ أَحَدٍ وَ مَا رَأَيْتُهُ جَافًا أَحَدًا بِكَلَامٍ قَطُّ وَ لَا رَأَيْتُهُ قَطَعَ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَفْرَعُ مِنْهُ وَ مَا رَدَّ أَحَدًا عَنْ حَاجَةٍ قَدَّرَ عَلَيْهَا وَ لَا مَدَّ رِجْلِيهِ بَيْنَ يَدَيِّ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَ لَا اتَّكَأَ بَيْنَ يَدَيْهِ جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَ

لَا رَأَيْتَهُ يُشْرِكُ أَحَدًا مِنْ مَوَالِيهِ وَ مَمَالِكِهِ» (کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه ج ۲، ص: ۳۱۶) <sup>۱</sup>  
 یاسر، خادم آن حضرت علیه السلام نقل میکند که امام علیه السلام به ما فرمودند: «إِنْ  
 قُمْتُ عَلَى رُؤْسِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَأْكُلُونَ فَلَا تَقُومُوا حَتَّى تَفْرُغُوا؛ اگر من بالای سر شما ایستادم  
 و شما در حال غذا خوردن بودید، بلند نشوید». (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ج: ۲۲،  
 ص: ۱۷۵)

## ۲-۳. ارزشهای هنری و زیبایی شناختی <sup>۲</sup>

در این نظام، فرد عقیده دارد که زیبایی، مهمترین و ارزشمندترین مفهوم در زندگی است.  
 هدف اصلی وی در زندگی رشد توانایی‌های هنری خود و درگیر شدن با اعمال و حرکاتی  
 است که زیبایی را در سطح عمومی و خصوصی افزایش می‌دهد. (میردریگوندی، ۱۳۸۲،  
 ص: ۷۹) قطعاً از منظر اسلام انسان‌ساز، ارزشهای هنری و زیبایی شناختی مهم است. حال  
 سؤالی که در اینجا مجدداً باید مطرح شود این است که چه ارزش هنری و زیبایی شناختی  
 منظور است؟ و آیا بدون شناخت انسان میتوان ارزش هنری و زیبایی شناختی برای فرد  
 مطرح کرد؟ آیا به خودی خود، ارزشهای هنری و زیبایی شناسی اصالت دارد یا خیر؟  
 تبیین و عملیاتی کردن سیستم ارزشی فرد، شدیداً تحت تأثیر نوع نگاه به انسان است.  
 مثلاً تفاوت نسخه‌هایی که خالق برای شادی و آرامش میدهد با نسخه‌های بعضی از  
 روانشناسان غربی، به علت نگاه متفاوت به انسان است. خداوند متعال و ائمه معصومین  
 علیهم السلام انسان را کامل می‌شناسند و سه بُعد انسان را که عبارت است از جسم، روح  
 و نفس، در نظر میگیرند و در نتیجه نسخه‌هایی تجویز میکنند که در نهایت به تقویت  
 نفس منجر میشود، ولی بعضی از روانشناسان، چون درک عمیق و صحیحی از انسان  
 ندارند، نسخه‌های به ظاهر خوب ولی در حقیقت آسیب‌رسان تجویز میکنند. مثلاً آلان  
 کار، برای افزایش شادی توصیه میکند که با گروهی از دوستان به فعالیتهای تفریحی  
 مشترک بپردازید، مثل: موسیقی، رقص، پروژه‌های کار بدنی، و فعالیتهای هوازی مثل  
 قایقرانی، موجسواری. (کار، ۱۳۸۷، ص ۹۰)

بعضی از روانشناسان برای درمان افسردگی پسرها، توصیه میکنند که با جنس مخالف

۱ سوره زمر، آیه ۵۳.

۲ Aesthetic Values.

دوست شوند و متأسفانه خود ارضایی را امری عادی تلقی میکنند. این خطاها ناشی از درک نادرست انسان است. در صورتی که اسلام انسانساز، یاد خداوند متعال، توبه و استغفار ۷، نماز ۸، صلح رحم، همسر شایسته ۹، استفاده از رنگ زیبا ۱۰، سوار کاری ۱۱، نگاه به سبزه، پیاده روی ۱۲ و خوردن عسل ۱۳ را باعث شادی و نشاط میداند. برای نمونه به یک روایت از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در مورد شادی (ارزشهای هنری و زیبایی شناختی) اشاره‌های گذرا خواهیم کرد:

«اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعِ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عِيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ يَهْدِي السَّاعَةَ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثَةِ سَاعَاتٍ؛

بکوشید تا اوقات شما چهار زمان باشد؛ زمانی برای عبادت و خلوت با خدا؛ تأمین معاش؛ معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیبهایتان واقف میسازند و در باطن به شما خلوص و صفا دارند و چهارم وقتی را هم به تفریحات و لذایذ خود اختصاص دهید و از ساعت‌های تفریح و شادی، نیروی لازم را برای عمل به وظایف خود، ذخیره کنید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۳۲۱)

همانطور که از این روایت نورانی مشخص است، نمیتوان به ارزشهای هنری اصالت داد، مگر آنکه این ارزش موجب احقاق حق یا تبلیغ شریعت مقدس باشد، در این صورت میتوان گفت ارزشهای هنری و زیبایی شناختی برای تبلیغ دین و احقاق حق، باید جزء سیستم ارزش انسان قرار گیرد.

## ۲-۴. ارزشهای اقتصادی (پول و ثروت): ۱۴

در این نظام ارزشی، فرد به پول و ثروت بها می‌دهد. هدف اصلی او در زندگی جمع‌آوری پول و ثروت زیاد تا جایی است که امکان دارد. او به هیچ چیز غیر از پول و ثروت نمی‌اندیشد. حتی ممکن است از خواب و خوراک و خانواده خود بگذرد تا به پول بیشتر برسد. (میردربکوندی، ۱۳۸۲، ص: ۷۹)

در این سیستم ارزشی، سؤالی که مطرح میشود این است که از منظر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام آیا اصلاً میتوان ارزشهای اقتصادی را جزء سیستم ارزشی فرد قرار داد؟ آیا این سیستم ارزشی از منظر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام اصالت دارد؟ اگر

سیستم ارزشی جزء اولین نظام ارزشی انسان قرار گیرد چه خواهد شد؟ مسئله اقتصاد تا چه اندازه مهم است؟

بر همه کس روشن است که آسایش و آرامش زندگی خانوادگی تا حدی مرهون موضوع اقتصاد است و تا این مسئله تأمین نشود، اعضای خانواده روی خوشی و راحتی را نخواهند دید، چه بسیار آشفته‌گی‌های روانی و بروز کینه‌ها در اثر نابسامانی‌های مالی به ساحت مقدس خانواده راه می‌یابد و حریت، آزادی و توان انجام بسیاری از کارها را از آنها می‌گیرد. اما مارکس معتقد بود: اقتصاد به‌طور کلی، سرچشمه همه امور اجتماعی و حتی زیربنای مسائل سیاسی، علمی، اخلاقی و اعتقادی فرد و اجتماع است. (مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۲) باید گفت این چنین که مارکس ادعا میکند صحیح نیست. چون دقیقاً سیستم ارزشی مارکس اصالت را به اقتصاد می‌دهد.

پر واضح است که اگر افرادی اصالت را به اقتصاد و پول و ثروت بدهد، سرنوشتی جزء طغیان ۱۵، آرزوهای طولانی ۱۶، غفلت از یاد خدا ۱۷ و زیاد شدن گناه ۱۸ در انتظارشان نیست. اما نمیتوان منکر این موضوع شد که اقتصاد تأثیر عمیق و اساسی در ایجاد بسیاری از رسوم، آداب، فرهنگ، اخلاق و جریانهای روزمره زندگی افراد و ملتها دارد. اقتصاد از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا استقبال جامعه و قدرت مقاومت آن در مقابل حوادث طبیعی و اجتماعی، همچنین شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر و ثبات سیاسی آن، بستگی به حل مشکلات و رفع کمبودهای اقتصادی آن جامعه دارد.

مرحوم علامه طباطبایی در رابطه با اهمیت اقتصاد می‌نویسد: «مهم‌ترین چیزی که مجتمع بشری را بر اساس خود پایدار می‌دارد، اقتصادیات جامعه است که خدا آن را مایه قوام اجتماعی قرار داده است، و ما اگر انواع گناهان و جرائم و جنایات و تعدیات و مظالم را دقیقاً آمارگیری کنیم، و به جستجوی علت آن بپردازیم، خواهیم دید علت بروز تمامی آنها یکی از دو چیز است: ۱- فقر مفرطی که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت و راهزنی و آدمکشی و گران‌فروشی و کم‌فروشی و غصب و سایر تعدیات وا می‌دارد. ۲- ثروت بی‌حسابی که انسان را به اسراف در خوردن و نوشیدن و پوشیدن و تهیه مسکن و همسر، و بی‌بندوباری در شهوات و هتک حرمتها و شکستن قرنها و تجاوز در جان و مال دیگران وادار می‌کند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۳۳۰)

البته باید به این نکته تأکید شود که امام رضا علیه السلام از یکسو رهبانیت و سختگیری بر خانواده را تقبیح، و از سوی دیگر اسراف را جایز نمیدادند. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام مردان را به توسعه در زندگی با خانواده سفارش میفرمایند:

«لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسَعَ عَلَى عِيَالِهِ كَيْلًا يَتَمَنُّوا مَوْتَهُ؛ سزاوار است مرد غنی و متمکن به زندگی خانواده خود توسعه دهد و آنان را از رفاه و آسایش کافی برخوردار کند تا آنان به علت سختگیری او و محرومیت خودشان، تمنای مرگ وی را نمایند». (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۱) همچنین فرمودند: «صَاحِبُ النِّعْمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَنِ عِيَالٍ؛ بر صاحبان نعمت واجب است که بر افراد تحت سرپرستی خود، توسعه دهند و به زندگی آنان گشایش بخشند». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۱، ص ۱۳۷)

راوی میگوید: از حضرت امام رضا علیه السلام در مورد هزینه‌های خانواده‌ها طلب اذن نمودم؛ فرمودند: حد وسط بین دو چیزی که ناپسند است (افراط و تفریط). گفتیم: فدایت شوم به خدا سوگند که دو چیز مبعوض را نمیشناسم. فرمودند: خدا تو را رحمت کند. مگر نمیدانی که خدا دشمن میدارد زیاده‌روی و سخت‌گیری را. سپس آیه شریفه زیر را تلاوت فرمودند: بندگان خاص خداوند رحمان، کسانی هستند که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری بلکه در میان این دو (اسراف و بخل) حد اعتدالی دارند. (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص: ۲۵۴)

همانطور که ذکر شد، اگر اصالت را به ارزشهای اقتصادی بدسیم، دقیقاً همان چیزی میشود که مارکس به آن اشاره داشت. اما امام علی بن موسی الرضا علیه السلام این سیستم ارزشی را نمیپذیرند. در روایتی ریشه‌ها و انگیزه‌های زراندوزی را چنین بیان می‌فرمایند:

«لا یجتمع المال الا بخمس خصال: بخل شدید و امل طویل، و حرص غالب، و قطیعة رحم، و إیثار الدنيا علی الاخرة؛ ثروت انباشته نمی‌شود مگر به سبب پنج چیز: بخل شدید، آرزوی طولانی، حرص زیاد، قطع رحم و ترجیح دادن دنیا بر آخرت». (عروسی الحویزی، ۱۴۱۵، ج: ۵، ص ۶۶۸) یکی از پیروان امام رضا علیه السلام که تاجر دین‌داری بود و وضعیت مالی بسیار خوبی داشت در فارس زندگی می‌کرد همواره خود را شیعه وفادار به اهل بیت علیهم السلام معرفی می‌کرد البته گفتار و عمل او چندان یکسان نبود و از دادن خمس طفره می‌رفت. وی نامه‌ای به امام رضا علیه السلام نوشت و از ایشان خواست که

خمسش را نپردازد. امام علیه السلام نامه او را خواندند و پاسخ فرمودند:

«بسم الله الرحمن الرحيم، إن الله واسع كريم، ضمن على العمل الثواب، و على الضيق الهم، لا يخل مال إلا من وجه أحله الله، و إن الخمس عوننا على ديننا و على عيالاتنا و على موالينا، و ما نبذله و نشترى من أعراضنا، ممن نخاف سطوته؛

به نام خداوند بخشنده مهربان، همانا خدا وسعت دهنده و کریم است، در مورد عمل و کار، ضامن ثواب است و در تنگی، ضامن غم و اندوه. هیچ مالی حلال نیست جز از راهی که خدا آن را حلال کرده و خمس موجب کمک ماست بر دین ما و عیالات ما و پیروان ما و آنچه میبخشیم و آبرویی که میخریم از کسانی که از قهر و زورش میترسیم پس آن را از ما دریغ ندارید و تا میتوانید خود را از دعای ما محروم نکنید. زیرا دادن خمس کلید روزی شما و مایه پاک شدن گناهان شماست و چیزی است که برای روز بیچارگی خود آماده میکنید و مسلمان کسی است که به عهدهی که خدا با او کرده وفا کند، مسلمان آن نیست که با زبان بپذیرد و با دل مخالفت کند و السلام». (عطار دی، ۱۴۰۶ق، ج: ۲، ص: ۲۱۱)

اگر به سبک زندگی اقتصادی امام رضا علیه السلام مراجعه کنیم، متوجه میشویم که ایشان به جای تأکید به ارزشهای اقتصادی به ارزش کار و تلاش اشاره میفرمایند. کار و کوشش، قانون عام آفرینش برای شکوفایی اقتصادی و دستیابی به اهداف و آرزوهای بلند است. هر که این قانون را به درستی به کار گیرد، دنیای او رونق میگیرد. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام میفرمایند:

«إن الذي يَطلبُ من فَضلِ يَكْفٍ بهِ عياله أعظم أجراً من المُجاهدِ في سبيلِ الله؛ آنکه با کار و کوشش، در جستجوی مواهب زندگی برای تأمین خانواده خویش است، پاداشی بزرگتر از مجاهدان راه خدا دارد». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۵)

آنگاه با چنین سیستم ارزشی است که میتوان گفت: «دنیا مانند صحنهٔ تئاتر است که هر فردی در آن نقشی را بر عهده دارد؛ یکی ثروتمند است و دیگری فقیر، یکی سالم است و دیگری بیمار. مهم نیست چه نقشی داشته باشیم، مهم این است که در نقش خود به بهترین نحو بازی کنیم. خداوند متعال در آیهٔ بیست و سوم سورهٔ مبارکهٔ حدید میفرماید: «لَكَيْلًا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ؛ این به خاطر آن است که برای آنچه از دست دادهاید تأسف نخورید و به آنچه به

شما داده است دل بسته و شادمان نباشید و خداوند هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد». ناگفته پیداست تنها در صورتی می‌توانیم در این نقشها مسئولیت خودمان را به نحو احسن بپذیریم و عمل ارزشمند انجام دهیم که سیستم ارزشی ما ارزشهای اقتصادی نباشد بلکه کار و تلاش باشد.

چنین فردی که سیستم ارزشیاش کار و تلاش است میتواند قناعت کند، بین افراد جامعه از لحاظ ثروت تفاوتی نگذارد و انفاق و بخشش کند. در این زمینه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرمایند:

«قَالَ اللَّهُ سُحَّانَهُ اَرْضُ مِمَّا آتَيْتُكَ تَكُنُّ مِنْ اَعْنَى النَّاسِ وَ اَرْوَى مَنْ قَنَعَ شَيْعَ وَ مَنْ لَمْ يَفْتَحْ لَمْ يَشْبَعْ؛ خداوند متعال می‌فرماید: تو به آنچه روزیت کرده‌ام خوشنود باش تا از بی‌نیازترین مردم باشی و من روایت میکنم که هر کس قناعت پیشه داشت سیر است و هر که قانع نباشد سیر نمیشود». (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج: ۱۵، ص ۲۲۵) حضرت امام رضا علیه السلام، همواره پیروانشان را به رضایت به رزق اندک توصیه میکردند و از فرمایشات ایشان است:

«مَنْ رَضِيَ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِالْقَلِيلِ مِنَ الرِّزْقِ رَضِيَ اللَّهُ مِنْهُ بِالْقَلِيلِ مِنَ الْعَمَلِ؛ هر کس به رزق و روزی کم از خدا راضی باشد، خداوند از عمل کم او راضی است». (ابن مکی، ۱۳۷۴، ص ۳۰) ایشان همچنین می‌فرمایند: «مَنْ لَقِيَ فَقِيرًا مُسْلِمًا فَسَلَّمَ عَلَيْهِ خِلَافَ سَلَامِهِ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَان؛ هر کس به مسلمان فقیر طوری سلام دهد که با سلامش به ثروتمندان متفاوت باشد، خداوند را در روز قیامت به گونه ای ملاقات می‌کند که بر او خشمناک است». (شریف قریشی، ۱۳۸۰، ج: ۲، ص: ۷۶).

الیسع بن حمزه میگوید:

در مجلس ابوالحسن رضا علیه السلام بودم. مردم بسیاری گرد آن حضرت حلقه زده بودند و از وی درباره حلال و حرام میپرسیدند که ناگهان مردی بلندقامت و گندمگون داخل شد و گفت: السلام علیک یا ابن رسول الله. من یکی از دوستداران تو و پدران و نیاکان شما هستم، من از حج باز می‌گردم و خرجی خود را گم کرده‌ام و با آنچه همراه من است نمی‌توانم به یک منزل هم برسم، پس اگر صلاح بدانید که مرا به دیارم روانه کنید، برای خدا به من نعمتی بدهاید و اگر به شهرم رسیدم آنچه را از شما گرفتم صدقه می‌دهم. امام رضا علیه السلام به او فرمودند: «بنشین، خدا تو را رحمت کند.»

آنگاه دوباره با مردم به گفتگو پرداختند تا آنان پراکنده شدند و تنها سلیمان جعفری و خیمه و من مانده بودیم. پس امام علیه السلام فرمودند: «جازه می‌دهید به اتاقم بروم؟» سلیمان گفت: «خداوند فرمان شما را مقدم داشت.» پس امام علیه السلام برخاستند و به اتاقشان رفتند و بعد از مدتی کوتاه بازگشتند و در را باز کردند و دستشان را از بالای در بیرون آوردند و پرسیدند: «آن خراسانی کجاست؟» پاسخ داد: «من اینجایم.» فرمودند: «این دویست دینار را بگیر و در مخارجت از آن استفاده کن و نمیخواهد از طرف من نیز صدقه دهی! اکنون برو که نه من تو را ببینم و نه تو مرا.» مرد بیرون رفت. سلیمان به حضرت عرض کرد: فدایتان شوم بخشش بزرگی کردید، پس چرا چهره‌تان را از او پوشانید؟ امام رضا علیه السلام فرمودند: از ترس آنکه مبدا شرمساری درخواست را در چهره او ببینم. (امین عاملی، ۱۳۷۶، ج: ۶، ص: ۱۵۰)

## ۲-۵. ارزشهای اجتماعی: ۱۹

در این نظام، فرد به افراد و ارتباط بین آنان اهمیت می‌دهد. هدف اصلی وی در زندگی، رشد و گسترش ارتباطات دلسوزانه و محبت‌آمیز با دیگران است. همچنین ممکن است چنین فردی درصدد یافتن راه‌هایی باشد تا از طریق آنها رفاه و آسایش عمومی مردم را بالا ببرد. چنین فردی همواره به دنبال کسب رضایت مردم و کسب وجهه و موقعیت اجتماعی است. (میردریگوندی، ۱۳۸۲، ص: ۷۹)

مانند سایر ارزشهایی که بررسی کردیم پنجمین ارزش از سیستم ارزشی آلپورت را هم از منظر امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بررسی خواهیم کرد و به این سؤال می‌پردازیم که آیا امام رضا علیه السلام چنین ارزشی را تأیید میکنند؟ اگر پاسخ مثبت است حدود آن کدام است؟

یکی از مسائل مهم در زندگی برقراری پیوند دوستی و صمیمیت با دیگران بوده و در اسلام نیز روابط اجتماعی بر پایه دوستی بنا شده است. مردم دوستی و مردم‌داری از نظر اسلام یکی از جلوه‌های خدادوستی و تکامل عقل است. یکی از نتایج طبیعی مردم‌دوستی و مردم‌داری این است که دیگران نیز انسان را دوست میدانند. امام رضا علیه السلام میفرمایند:

«التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعُقُلِ؛ دوستی با مردم، نیمی از خردورزی است.» (فلسفی،



۱۳۶۸، ج: ۲، ص: ۴۲) مردمداری به معنای خوش رفتاری، ملامت، مماشات و مهربانی با مردم است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۴۴) مردمداری یکی از خلق های نیکوی انسانی و کلید سعادت زندگی اجتماعی است و با گسترش و تقویت آن جامعه انسانی چهرهای زیبا به خود می‌گیرد و زندگی شیرین می‌شود. انسانها در واقع، برترین آفریدگان خدا هستند که باید با برترینها بهترین رفتار را داشت به گونهای که هر برخوردی نفع رساننده باشد نه نفع طلبانه، به فرموده امام رضا علیه السلام «مَنْ فَرَجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَجَ اللَّهُ عَنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ؛ هر کس اندوه و مشکلی را از مؤمنی برطرف نماید، خداوند در روز قیامت اندوه را از قلبش برطرف سازد». (صابری یزدی، ۱۳۶۵، ص ۴۰۸)

مردمداری ناشی از یک نحوه تفکر درباره مردم است؛ یک تفکر درباره مردم این است که دیگران ابزار کار «من» هستند، در این تفکر، مردم ارزش مستقل ندارند بلکه دارندگان چنین اندیشه‌های تا آنجا به مردم احترام می‌گذارند و حقوقشان را پرداخت می‌کنند که برایشان سودآور باشد و اگر روزی احساس کنند که فرد یا گروهی برایشان نفعی ندارد، هیچ‌گونه ارزشی برایش قائل نمی‌شوند و بسان ابزار فرسودهای طردشان می‌کنند. امام رضا علیه السلام در رد این تفکر میفرماید:

«إِنَّ شَرَّ النَّاسِ مَنْ مَنَعَ رِفْدَهُ وَ أَكَلَ وَحْدَهُ وَ جَلَدَ عَبْدَهُ؛ به راستی که بدترین مردم کسی است که یاریاش را [از مردم] باز دارد و تنها بخورد و زبردستش را بزند». (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۸). امام رضا علیه السلام به مهمانی که شبی در محضر ایشان بود و پس از کم نور شدن چراغ، در صدد درست کردن آن برآمده بود، فرمودند: «إِنَّا قَوْمٌ لَا نَسْتَعْدِمُ أَضْيَافَنَا؛ ما مردمی هستیم که از مهمان خود کار نمیکشیم». بنابراین، مهمان‌نشان را از این کار بازداشته و شخصاً به درست کردن چراغ پرداختند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۴۹، ص: ۱۰۲). تفکر دیگر این است که انسان‌ها مستقلاً -چه برای من سود داشته باشند یا نداشته باشند- ارزش دارند، باید با آنها زندگی کرد، برایشان ارزش قائل شد، و با اخلاق و سلیقه‌های متفاوت آنان را پذیرفت و با هر کسی در حد ظرفیت فکری خودش، برخورد کرد. امام رضا علیه السلام در تأیید این تفکر فرمودند:

«لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤَمِّمًا حَتَّى تَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ. فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكَيْتَمَانُ سِرِّهِ. وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ. وَ أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالضَّبْرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَاءِ؛ مؤمن، مؤمن واقعی نیست، مگر آنکه سه خصلت در او

باشد: سنتی از پروردگارش و سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش. اما سنت پروردگارش، پوشاندن راز خود است، اما سنت پیغمبرش، مدارا و نرم رفتاری با مردم است، اما سنت امامش، صبر کردن در زمان تنگدستی و پریشان حالی است.»

در مورد دومین تفکر در مردمداری بی منت و بی توقع، در منطق و رفتار امام رضا علیه السلام به گونه‌ای است که علاوه بر پذیرایی، امنیت و آسایش روانی میهمانان را نیز مد نظر قرار داده و از این رو، حتی در زمانی که آن حضرت، مسموم شده و در معرض شهادت قرار داشتند، پس از آنکه نماز ظهر را به جای آوردند، از وضعیت میهمانان خویش که گویا جویای سلامتی ایشان بودند، پرسیدند و ضمن اینکه خود بر سر سفره نشستند، مردم را نیز به سفره غذا دعوت کرده و یکایک را مورد محبت و مهر خویش قرار دادند. هنگامی که همگان غذای خود را خوردند، از فرط مسمومیت بی‌هوش شدند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج: ۴۹، ص: ۲۹۹).

پس میتوان گفت ارزشهای اجتماعی طبق تعریف آلپورت با یک شرط مورد تأیید امام علی‌نموسالرضا علیه السلام است و آن قید این است، ارزشهای اجتماعی یا مردمداری باید بیمنت و بیتوقع باشد و نه برای کسب شهرت و یا استفاده ابزاری از مردم.

## ۲-۶. نظام ارزشی دینی: ۲۰

در این نظام، فرد اعتقاد دارد که ارزش‌های دینی، بالاترین، مقدم‌ترین و ضروری‌ترین ارزش‌ها هستند. هدف اصلی او در زندگی این است که زندگی‌اش را به شیوه‌های عملی کند که با باورهای دینی‌اش متحد و سازگار باشد. (میردریگوندی، ۱۳۸۲، ص: ۸۰)

آلپورت معتقد است که نظام ارزش دینی به تنهایی قادر است شخصیت را سازمان دهی کند. عملکرد یک نظام ارزشی وحدت بخشی به شخصیت و یکپارچه ساختن آن است. به عقیده آلپورت، همه این نظام‌های ارزشی کلی به صورت مساوی قادر به یکپارچه سازی شخصیت نیستند. وی معتقد است: نظام ارزشی دینی تنها نظامی است که می‌تواند به صورت کامل و مستمر به شخصیت، وحدت و یکپارچگی ببخشد. نظام ارزشی دینی به دو دلیل عمده و اساسی، قادر به انجام این کار است:

دلیل اول اینکه دین با تمام جنبه‌های زندگی انسان سروکار داشته، در هر بخشی از زندگی، حرفی برای گفتن دارد. دین می‌تواند فرد را در تمام تعاملاتش با دنیا، در تمام

جنبهها راهنمایی و یاری کند. در بین تمام نظام‌های ارزشی، فقط نظام ارزشی دینی می‌تواند در تمام جنبهها و در تمام زندگی راهنمای انسان باشد. آلپورت اشاره می‌کند که دین یک احساس بزرگ و عمده است که می‌تواند تمام حقایق و تمام نظام‌های ارزشی دیگر را ارزیابی نموده، چهارچوب آنها را در زندگی مشخص نماید. به همین دلیل، وی اصطلاح احساس بزرگ، عقیده عمده ۲۱ را در مورد دین به کار می‌برد.

دلیل دوم اینکه دین پدیده‌ای است که با عالم بالا یعنی عالم غیرمادی نامحدود فوق طبیعی، مرتبط است. مولای متقیان علی‌بن‌ابیطالب علیه السلام می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ مَلَكَ أَمْرِكُمُ الدِّينُ؛ بدانید که پایه و اساس کار شما دین است». (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج: ۲۱، ص: ۵۲۳)

نظام ارزشی دینی ساخته دست بشر نیست اما سایر نظام‌های ارزشی دیگر ساخته و پرداخته دست بشر هستند. این نظام‌ها مجموعهای از باورها هستند که افراد بشر خودشان آنها را خلق کرده و طرح‌ریزی نموده‌اند. این نظام‌های مصنوعی محدود و ناقص هستند زیرا خالق آنها خود، محدود و ناقص است. ولی به دلیل آنکه نظام ارزشی دینی از منبع وحی و عالم بالا سرچشمه می‌گیرد، می‌تواند فهم انسان را بالا ببرد و به انسان کمال و تعالی ببخشد و بنابراین، قادر است به صورت کامل و تمام عیار انسان را درک کند و نیازها و خواستههای او را ارضا نماید. نظام ارزشی دینی می‌تواند به صورت دائم انسان را با عالم بالا پیوند دهد. اما نظام‌های ارزشی دیگر علاوه بر اینکه ناقص و محدودند، موقتی نیز هستند؛ زیرا بر چیزهایی تأکید می‌کنند که موقتی و زایل‌شدنی هستند؛ مثل زیبایی، پول، ثروت، قدرت و شهرت که همگی محدود و موقتی می‌باشند و سرانجام، با فروریختن آنها، این نظام‌های ارزشی نیز فرو می‌ریزند و انسان نیز در مرحله‌ای از زندگی به جایی می‌رسد که آنها را دور می‌ریزد و حتی گاهی از آنها متنفر می‌شود. وقتی یک نظام ارزشی فرو می‌ریزد انسان معتقد به آن نظام نیز سرخورده، ناامید و متلاشی می‌شود حتی ممکن است که اقدام به خودکشی کند و رفتارهای خود ویرانگر داشته باشد. (میردریگوندی، ۱۳۸۲، ص: ۸۰)

بسیاری از تحقیقات این اعتقاد آلپورت را که داشتن یک نظام ارزشی دینی بخش مهمی از سلامت روان به حساب می‌آید، مورد تأیید و حمایت قرار داده‌اند. آرگایل معتقد است مذهبی بودن میتواند آثار فشار روانی را خنثی کند و همچنین تصریح میکند که دعا

و نماز، باعث افزایش شادکامی و سلامت وجودی میشود. (آرگایل، ۱۳۸۲، ص: ۲۶۹ و ۲۷۰)

استرلینگ سی هیلتون، ژیلبرت دبلیو فیلینگم و ژوزف ال لیون ۲۲ در تحقیقی «رابطه میان میزان خودکشی و پایبندی به مذهب در نوجوانان پسر» را مورد بررسی قرار دادند. این گزارش میزان خودکشی نوجوانان پسر را که در رده سنی ۱۵-۳۴ سال، بر اساس عضویت و پایبندی‌شان به کلیسای عیسی مسیح در روز مقدس طبقه‌بندی شده‌اند را بررسی می‌کند. همه اشکال مرگ گزارش شده برای نوجوانان پسر با گزارشات عدم رابطه با کلیسا، تطبیق داده شدند. نتیجه این پژوهش نشان می‌داد که سطوح بالای دین‌داری رابطه معکوسی با میزان خودکشی داشته است. (Hilton & Fellingham & Lyon, ۲۰۰۲, p: ۴۱۳)

آلپورت به یک نکته مهم و اساسی اشاره می‌کند و با همین نکته است که جواب معترضان و منتقدان به دین را می‌دهد. او معتقد است که نظام ارزشی دین بهترین نظامی است که به شخصیت وحدت و یکپارچگی می‌بخشد، ولی چنین نیست که هر نوع از اعتقاد دینی بتواند از عهده چنین کاری برآید. آلپورت خود متوجه بود که بسیاری از افراد ادعا می‌کنند که به خدا اعتقاد دارند و از دین نیز پیروی می‌نمایند. همچنین متوجه بود که همه این افراد سالم نیستند و از آن وحدت و یکپارچگی شخصیت، که بخشی از شخصیت سالم و کامل به حساب می‌آید، برخوردار نیستند. (Allport & Ross, ۱۹۷۶, p: ۴۳۴)

حال سؤال این است که آیا عیب از دین است یا از افرادی که ادعای دین‌داری می‌کنند؟ پس از انجام تحقیقات در زمینه رابطه بین بی‌دینی و بیماریهای روانی، آلپورت کشف کرد که دو نوع اعتقاد دینی وجود دارد: اعتقاد دینی ظاهری و اعتقاد دینی باطنی. (Allport & Ross, ۱۹۷۶, p: ۴۳۵) اعتقاد دینی ظاهری یک تعهد کاذب و عهد و پیمان دروغین نسبت به خدا و دین است که در آن شخص از دین استفاده می‌کند تا به دیگر اهداف خود برسد. فردی که دارای جهت مذهبی ظاهری است، دارای ایمانی منافقانه نسبت به خدا و تعهدی ریاکارانه نسبت به دین می‌باشد. چنین فردی ادعا می‌کند که مهم‌ترین ارزش در زندگی او، پرستش و عبودیت خداوند از مجرای دینش می‌باشد. اما حقیقت امر این است که سایر ارزش‌های غیردینی برای او مهم‌ترند. وی از

دین به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند تا به اهداف غیر خدایی - یعنی اهدافی که با سایر ارزش‌ها مرتبط هستند - برسد. شخصی که دارای یک تعهد مذهبی ظاهری است، دین را به کار می‌گیرد تا از طریق آن منافعی را کسب نماید، اعمال و گفتار و نیات مذهبی از خود بروز می‌دهد تا از این طریق، منافع انسانی و حتی گاهی شیطانی خود را تأمین نماید. چنین شخصی در واقع، زیر لوای دین و با نام دین، سعی و تلاشش و هم‌وغمش این است که به اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، هنری یا علمی برسد.

به اعتقاد آلپورت، چنین جهتی و چنین اعتقادی نه تنها نمی‌تواند به شخصیت وحدت و یکپارچگی ببخشد، بلکه می‌تواند منشأ بیماری روانی نیز باشد. نوع دیگر اعتقاد دینی، اعتقاد دینی باطنی یا به تعبیر دیگر، جهت مذهبی باطنی، یک عهد و پیمان کامل و خالصانه نسبت به خدا و نسبت به شیوه مذهبی زندگی است. به عقیده آلپورت، جهت مذهبی باطنی یک جهت زنده و پویاست که در تمام زندگی وجود دارد، نه اینکه به صورت عادت درآمدی باشد. (Fulton, ۱۹۹۷, p: ۶۱).

آلپورت بیان می‌دارد: شخصی که دارای جهت مذهبی باطنی است، بیش‌تر علاقه‌مند است به دین خودش خدمت کند تا اینکه آن را به خدمت بگیرد. چنین جهتی یک پیمان جامع و کامل به حساب می‌آید که از طریق آن، چیزهای دیگر در زندگی به دست آمده، به نتیجه می‌رسند. به عقیده وی، جهت مذهبی باطنی نمی‌تواند برای هیچ هدف دیگری، حتی هدف رسیدن به سلامت روان، مورد استفاده قرار بگیرد؛ زیرا چنین جهتی یک جهت کاملاً خالصانه است که فقط در جهت رسیدن به خدا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

به عبارتی دیگر، می‌توان گفت: قصد و نیت افراد در جهت مذهبی آنان مهم است. اگر این نیت یک نیت خالصانه خدایی باشد، جهت دینی آنان نیز باطنی و خالصانه خواهد بود و اگر این نیت یک نیت ریاکارانه باشد، جهت دینی نیز ظاهری و ریاکارانه خواهد بود. به عقیده آلپورت، اگر شخصی تصمیم بگیرد مذهبی باشد تا از این طریق به سلامت روان برسد، جهت مذهبی او یک جهت مذهبی خالصانه نخواهد بود؛ زیرا وی در حال استفاده از دین است برای رسیدن به هدفی (به دست آوردن سلامت روان)، که این هدف، غیر خداست.

از دیدگاه آلپورت، حتی چنین شخصی نیز در حقیقت، دارای جهت مذهبی ظاهری

بوده، در نهایت از لحاظ روان‌شناختی بیمار به حساب می‌آید. با وجود این، خود آپورت بیان می‌دارد، اگر شخصی دارای گرایش و جهت مذهبی خالصانه باشد، محصول جانبی این جهت خالصانه آن خواهد بود که دین چنین شخصی را حفظ کرده، از او مراقبت می‌نماید و سلامت و روان را برای او به ارمغان می‌آورد. آپورت اعتقاد دارد که تمام این انتقادات و تمام این ایرادات درست هستند، منتهی فقط موقعی که جهت دینی فرد یک جهت دینی ظاهر باشد اما اگر جهت دینی فرد یک جهت دینی باطنی و خالصانه باشد، نه تنها این انتقادات وارد نیستند، بلکه دقیقاً عکس آنها در مورد دین و فرد دینی صدق خواهد کرد. (میردریگوندی، ۱۳۸۲، ص: ۸۰)

شیخ صدوق با اسناد خود از حضرت رضا علیه السلام چنین نقل می‌کند: «لَا تَنْظُرُوا إِلَيَّ كَثْرَةَ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةَ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طُنْطُنْتِهِمْ بِاللَّيْلِ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ؛ به نمازها و روزه‌ها و حج‌های زیاد و حتی انجام معروف و عبادت‌های شبانه توسط افراد، توجه نکنید و لکن معیار ایمان افراد را در راست‌گویی و ادا امانت قرار دهید» (بابویه‌قمی، ۱۴۰۰ق، ص: ۳۰۳) در حدیث دیگری حضرت رضا علیه السلام می‌فرمایند: «لیس العبادة كثرة الصلاة و الصوم، إنما العبادة التفکر فی أمر الله عز و جل؛ عبادت، زیاد نماز خواندن و روزه گرفتن نیست، بلکه عبادت، زیاد فکر کردن در امر خداست.» (حرعاملی، ۱۳۸۰، ص: ۵۵)

آنچه از این دو روایت به ذهن می‌آید این است که معیار مسلمانی و دین‌داری واقعی در انجام دادن ظاهری یکسری احکام فقهی و عبادت‌های شریعتمدار نیست. گرچه نماز و روزه و حج در جای خود بسیار مورد احترام است اما به تنهایی نمی‌تواند معرف دین‌داری انسان مؤمن باشد. حضرت علیه السلام ما را به سه حوزه دینداری مغفول و فراموش‌شده در زندگی‌هایمان توجه داده و آنها را معیار اصلی ایمان و صلاح افراد دانسته‌اند. اولین معیار راست‌گویی است؛ راستی در کسب و تجارت، در تبلیغ دین، در سیاست، در خانواده، در تربیت، در اجتماع و خلاصه در تک تک لحظه‌های زندگی‌مان. دومین سفارش حضرت، ادای امانت است و چه امانتی مهم‌تر از نظام اسلامی و مسئولیت‌های این نظام که با ریختن خون بهترین جوانان این میهن به عنوان امانت به دست ما رسیده است؟

و آخرین معیار دینی در کلام آن حضرت تفکر است. جامعه‌ای که فکر کردن را سرلوحه‌ی

امور خویش قرار دهد و در آن متفکرین و ثمره تفکرشان مورد احترام قرار گیرد (ولو در اثر تفکر، فرد به مطلب باطلی رسیده باشد)، راه سعادت را سرانجام طی خواهد کرد پس میتوان نتیجه گرفت، ارزشهای دینی که آپورت آن را جزء مهم‌ترین ارزش انسانی برمی‌شمارد از منظر امام رضا علیه السلام عبارت‌اند از: ارزشهای دینی اعتقادی و مناسکی مبتنی بر اسلام انسان‌ساز.

ارزش دیگری که امام علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه السلام به آن اشاره میکنند:

ارزش محبت به اهل بیت علیهم السلام

احمد بن عمر حلبی می‌گوید: «در منا به خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم و عرض کردم: فدایتان شوم، خانواده ما در ناز و نعمت و خوشی بودند و ما از این نعمتها به دیگران نیز میبخشیدیم. خدا همه آن نعمتها را از ما گرفت تا آنجا که حالا محتاج کسانی شده‌ایم که روزی به ما نیازمند بودند.» امام رضاعلیه السلام فرمودند: «ای احمد، چه سعادت‌مندی تو و چه حال خوبی داری.» من گفتم: «فدایتان شوم، حال من چنان بود که به شما عرض کردم.» امام رضا علیه السلام فرمودند: «ای احمد، آیا دوست داشتی دنیایی پر از طلا از آن تو باشد ولی به جای این جباران باشی و حال و وضع آنها را داشته باشی؟» عرض کردم: «نه به خدا، ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله.» حضرت تبسمی کردند و فرمودند: «چه کسی حالش از تو بهتر است؟ چون تو چیزی داری که آن را با دنیای پُر از طلا معامله نمیکنی و آن محبت به ما اهل‌بیت علیهم السلام است.» (معروف‌الحسینی، ۱۳۸۲، ج: ۲، ص: ۴۳۰)

همه ما انسانها آمیزه‌های از داشته‌ها و نداشته‌ها هستیم و حال ما بستگی به داشته‌ها و نداشته‌هایمان ندارد، بلکه حال ما به نحوه توجه به آنها و میزان ارزش آنها بستگی دارد. فرض کنید ظرفی پر از آجیل مخلوط داریم. اگر بر نخودچیهای ریز و خراب آن تمرکز کنیم، حالمان بد میشود. چون کل آجیل را همان نخودچیها میبینیم. اما اگر بادام و پسته و فندق و تخمه را ببینیم، حالمان بهتر خواهد شد. احمد بن عمر حلبی به ثروت عظیم محبت به اهل‌بیت علیهم السلام توجه نداشت و امام رضا علیه السلام این ثروت عظیم را به او یادآور شدند.

میتوان گفت این سیستم ارزشی، هویت شیعه است و این سیستم ارزشی مورد تهاجم بیشمار دشمنان خدا قرار گرفته است.

بسیاری از کشورها برای القای اندیشه‌ها و نگرش‌های خود به مردم، شخصیت‌هایی را به عنوان انسان تراز طراحی میکنند و سپس، متناسب با آن، به ساخت انیمیشن و فیلم‌های متعدد و متنوع در سال‌های متمادی می‌پردازند. چون تأثیرپذیری انسان در کودکی بیشتر است، بیشتر شخصیت‌های تراز را برای کودکان طراحی میکنند.

### نتیجه‌گیری:

هدف این نوشتار آن بود که به صورت بسیار کوتاه و موجز به بررسی سیستم ارزیابی آلپورت با اندیشه‌ها و سخنان حجت هشتم الهی، حضرت رضا علیه السلام بپردازیم. گوردن آلپورت پدر روانشناسی شخصیت، شش نظام عمده را مطرح میکند که عبارت‌اند از: ارزشهای نظری، ارزشهای سیاسی، ارزشهای هنری و زیبایی‌شناختی، ارزشهای اقتصادی (پول و ثروت)، ارزشهای اجتماعی و نظام ارزشهای دینی.

در سخنان و اندیشه‌های گهربار حضرت رضاعلیه السلام به غیر از دو نظام ارزیابی که میتوان گفت با یکسری از قیود و مختصات مورد پذیرش امام علیه السلام است و بقیه این سیستم ارزیابی را قاطعانه رد میکنند. سیستم‌های ارزیابی که میتوان در کلمات و اندیشه‌های آن حضرت برشمرد عبارت‌اند از: ارزشهای نظری و حیانی، ارزش خدمتگزاری به مردم یا سیاست توحیدی، ارزش کار و تلاش، ارزشهای اجتماعی یا مردم‌داری که بیمنت و بیتوقع است، ارزشهای دینی اعتقادی و مناسکی مبتنی بر اسلام انسان‌ساز و ارزش محبت به اهل‌بیت علیهم السلام.

یک سیستم ارزیابی که در جای‌جای سخنان ائمه معصومین علیهم السلام میتوان دید اما در سخنان امام رضا علیه السلام پررنگ‌تر است، سیستم ارزیابی محبت به اهل‌بیت علیهم السلام است که این سیستم میتواند همچون موتور محرک در سختیها و مشکلات در روان شیعیان عمل کند. میتوان گفت از بین سیستم‌هایی که از دید امام علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه السلام برشمردیم، این سیستم ارزیابی آماج حملات دشمنان قرار گرفته است، چون خوب میدانند که اگر این سیستم ارزیابی را مورد تهاجم و هجمه قرار دهند، میتوانند هویت شیعه را نابود سازند.





## منابع و مآخذ

منابع فارسی:

۱. ناصر مکارم شیرازی، **قرآن کریم**، قم، دارالقرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن بابویه محمد بن علی، **عیون أخبار الرضا علیه السلام**، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
۳. ابن شعبه حرانی حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول**، محقق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۴. ابن مکی محمد (شهید اول)، **چهل حدیث**، قم، نهانندی، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۵. امین عاملی سید محسن، **سیره معصومان**، ترجمه: علی حجتی کرمانی، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
۶. آرگایل مایکل، **روان شناسی شادی**، ترجمه: مسعود گوهری و همکاران، اصفهان، جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۷. بابویه قمی ابی جعفر بن محمد بن علی بن حسین، **أمالی الصدوق**، بیروت، اعلمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ ق.
۸. بحرانی اصفهانی عبدالله، **عوالم العلوم و المعارف و الحوالم من الآیات و الأخبار** (حضرت زهرا سلام الله علیها تا امام جواد علیه السلام)، قم، مؤسسه الإمام مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
۹. برقی احمد بن محمد بن خالد، **المحاسن**، محقق: جلال الدین محدث، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
۱۰. بروجردی آقا حسین، **جامع أحادیث الشیعه**، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. بی آزار شیرازی عبدالکریم، **رساله نوین** (احکام و موضوعات اقتصادی ترجمه بخش هایی از تحریر الوسیله حضرت امام)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفدهم، ۱۳۹۴ ش.
۱۲. پاینده ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. تمیمی آمدی عبدالواحد بن محمد، **غرر الحکم و درر الکلم**، محقق: سیدمهدی رجائی، قم، دارالکتب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. حرعاملی محمد بن حسن، **جهاد النفس وسائل الشیعه**، ترجمه: علی افراسیابی، قم، نهانندی، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.

۱۵. حر عاملی محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۱۶. حلوانی حسین بن محمد بن حسن بن نصر، *نزهة الناظر و تنبيه الخاطر*، قم: مدرسه امام المهدي عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۱۷. خمینی روح الله، *صحیفه امام* (بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نا مهها)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ش.
۱۸. دهخدا علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، روزنه، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۱۹. شریف قرشی باقر، *حیاء الإمام رضا علیه السلام*، قم، سعید بن جبیر، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
۲۰. شولتز دوان و شولتز سیدنی الن، *نظریه های شخصیت*، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران، نشر ویرایش، ویراست هشتم، ۱۳۸۹ش.
۲۱. صابری یزدی علیرضا، *الحکم الزاهره*، ترجمه: محمدرضا انصاری محلاتی، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ش.
۲۲. صدوق محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
۲۳. طباطبایی سید محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۲۴. العروسی الحویزی عبد علی بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۵. عطاردی عزیز الله، *مسند الإمام الرضا علیه السلام*، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۲۶. فلسفی محمد تقی، *الحديث روايات تربیتی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.
۲۷. فلکسمن پُلا و بلک لج جت و باند فرانکو، *درمان مبتنی بر پذیرش و پای بندی*، ترجمه: مصلح میرزایی و سامان نونهال، تهران، ارجمند، چاپ اول، ۱۳۹۴ش.
۲۸. قمی عباس، *سفینه البحار*، قم، اسوه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۲۹. کار آلان، *روان شناسی مثبت*، ترجمه: دکتر حسن پاشا شریفی و دکتر جعفر نجفی زند، تهران، سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۳۰. کراجی محمد بن علی، *معدن الجواهر و ریاضة الخواطر*، محقق: احمد حسنی، تهران، مکتبه المرتضویه، چاپ دوم، ۱۳۹۴ق.

۳۱. کشی محمدبن عمر، *إختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، محقق: محمد بن الحسن طوسی حسن مصطفوی، مشهد مقدس، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۳۲. کلینی محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران، اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۳۳. کلینی محمدبن یعقوب، *گزیده کافی*، ترجمه محمدباقر بهبودی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۳ش.
۳۴. کوئن بروس، *مبانی جامعه شناسی*، ترجمه: دکتر غلامعباس توسلی و دکتر رضا فاضل، تهران، سمت، ۱۳۹۰ش.
۳۵. لارنس ای، *روان شناسی شخصیت (نظریه و تحقیق)*، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور، تهران، رسا، ۱۳۷۴ش.
۳۶. مجلسی محمدباقر، *مرآت العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۳۷. مجلسی محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۸. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، *اخلاق اقتصادی*، تهران، اداره آموزش های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.
۳۹. معروف الحسنی هاشم، *زندگانی دوازده امام علیهم السلام*، ترجمه: محمد مقدس، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ش.
۴۰. میرداماد محمد بن باقر بن محمد، *الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیه*، قم، دارالخلافة، چاپ اول، ۱۳۱۱ق.
۴۱. میردیکوندی رحیم، *رابطه شخصیت با نظام های ارزشی از دیدگاه آپورت*، معرفت، ۱۳۸۲ش.
۴۲. نراقی محمد مهدی، *جامع السعادات*، مصحح: سید محمد کلانتر، قم، دآوری، ۱۳۸۳ق.
۴۳. نوری حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۴۴. هاشمی خویی میرزا حبیب الله، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، مترجم: حسن حسن زاده آملی و محمدباقر کمره ای، محقق: ابراهیم میانجی، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۰ق.

منابع لاتین:

٤٥. Allport, G.W. & Ross, M.J.Jr. (١٩٦٧). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*, ٥.
٤٦. Fulton, Aubyn. S. (١٩٩٧) "Identity status, Religious- Orientation and Prejudice". *Journal of Youth and Adolescence*, ١)٢٦).
٤٧. Hayes, S.C, Strosahl, K.D & Wilson, K.G.(١٩٩١) *Acceptance and Commitment Therapy: An Experiential Approach to Behavior Change*. New York: Guilford press.
٤٨. Hurka, Slavek J. (١٩٨٠) "Business Administration Students in Five Canadian Universities: A Study of Value", *The Canadian Journal of Higher Education*.
٤٩. Sterling, C. Hilton, Gilbert W. Fellingham, Joseph L. Lyon. (٢٠٠٢) "Suicide Rates and Religious Commitment in Young Adult Males in Utah", *American Journal Epidemiology*, ٥)١٥٥).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علمی اما مرض علیه السلام وعلوم روز شمار و سوره منهار ١٤٣